

دانش اقتصاد اسلامی از امکان تا واقعیت

پیشینه اقتصاد اسلامی به صدر اسلام و تشکیل حکومت اسلامی برمی‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از ورود به مدینه به‌رغم گرفتاری‌های فراوانی که دربارهٔ تثبیت کلیت نظام اسلامی داشتند در فرصت‌های مناسب اهداف و اصول اقتصادی آن را بیان کرده و ضمن تشریح قوانین اقتصادی با سیاستگذاری‌های مناسب، زمینه رشد اقتصادی جامعه را فراهم آوردند.

در دوران تمدن اسلامی نیز آثار فراوانی درباره مباحث و موضوعات اقتصادی به‌وسیلهٔ فقیهان و دیگر متفکران مسلمان به نگارش درآمد. فقیهان، بخش مهمی از آثار ارزشمند فقهی خود را به مباحث اقتصادی اسلام اختصاص دادند و تألیف‌های فراوانی به یادگار گذاشتند. کتاب‌های دربارهٔ خمس، زکات، بیع، اجاره و مضاربه و ... از نمونه‌های این تألیف‌ها هستند. همان‌طور که بخش مهمی از رساله‌های توضیح‌المسائل و استفتائات فقیهان و مراجع تقلید نیز پاسخگوی مسایل اقتصادی عامه مردم بوده است.

در دهه‌های اخیر، افزون بر کتاب‌های فقهی، کتاب‌هایی درباره موضوع‌های چون مالکیت، بهره و ربا، مالیات‌های اسلامی، بیمه و ... نیز نگاشته شد. خصوصیت بیشتر این آثار، تکننگاری و فقدان نگاه جامع و نظام‌وار به بحث‌های اقتصادی اسلام است. نخستین اثر که این نقص را مرتفع ساخت کتاب *اقتصادنا* شهید صدر رحمته الله علیه بود که در صدد استنباط و تدوین نظام اقتصادی اسلام برآمده و کوشید تا مباحث مهم اقتصاد اسلامی را به‌صورت

یک نظام منظم طراحی کرده و تفاوت‌های اساسی آن را با نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیسم بیان کند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز کتاب‌ها، مقالات و تحقیق‌های فراوانی درباره مسایل اساسی اقتصاد اسلام و به‌ویژه موضوعاتی چون بانکداری، بخش عمومی، اقتصاد خرد و کلان و ... تألیف، و همایش‌های فراوانی نیز برپا شده است و به‌رغم بی‌مهری‌ها و تنگ‌نظری‌ها، اقتصاد اسلامی جای خود را در محافل علمی باز کرده است.

یکی از موضوعات مهم و اساسی که بسیاری از متفکران اقتصاد اسلامی به آن پرداخته‌اند ماهیت، روش تحقیق و قلمروی دانش اقتصاد اسلامی است.

آشنایان با اقتصاد اسلامی می‌دانند که دین اسلام، دین نظام‌مند بوده و در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارای نظام است که باید از آیات، روایات و فتاوی فقیهان کشف شود، همانا بحث و اختلاف در این است که اسلام افزون بر نظام اقتصادی، آیا دارای علمی تحت عنوان دانش اقتصاد اسلامی نیز هست؟ و اگر جواب مثبت است روش تحقیق چیست و قلمروی آن تا کجا است؟

هر یک از موافقان و مخالفان افزون بر این که دارای طیف‌های متفاوتی هستند درباره مدعای خود نیز از روش‌های گوناگونی استفاده کرده‌اند. عده‌ای با روش تاریخی افزون بر نفی علم اقتصاد اسلامی، امکان تحقق چنین علمی در آن دوران را نیز نفی کرده‌اند در حالی که گروه دیگر با شاهد قراردادن مطالعه‌های اندیشه‌ورانی چون ابن‌خلدون، ابویوسف، ابن‌قدامه و دیگران، در صدد اثبات تحقق علم اقتصاد اسلامی در تمدن اسلامی برآمده‌اند. از طرفی برخی با تحلیل‌های عقلانی موضوع نفی یا اثبات دانش اقتصاد اسلامی را مطالعه کرده‌اند. گروهی چون شهید صدر رحمته‌الله معتقدند:

دانش اقتصاد عبارت از این است که ابتدا اطلاعات از روی داده‌های واقعی اقتصادی، جمع‌آوری شده، و براساس مطالعات علمی پردازش، و آن‌گاه قوانین مربوط به آن‌ها کشف شود. و لازمه آن این است که مکتب اقتصادی اسلام در جامعه پیاده شود، و هنوز چنین اتفاقی در جوامع اسلامی نیفتاده است (صدر، اقتصادنا: ص ۳۳۴).

در مقابل برخی معتقدند همان‌گونه که در دانش اقتصاد متعارف ابتدا مدل‌ها براساس فرض‌های مطلوب طراحی شده، مطابق با واقعیت‌های موجود تعدیل می‌شوند (مانند مدل بازار رقابت کامل)، در اقتصاد اسلامی هم می‌توان مدل را براساس مطلوب‌های برگرفته از

مکتب اخذ کرد و میزان انطباق رفتار مسلمانان را با آن الگوها سنجید. به اعتقاد این گروه؛ اسلام، با ارتکاب برخی محرمات یا کوتاهی در انجام برخی واجبات، مستحبات و مکروهات از وجود شخص مسلمان رخت بر نمی‌بندد. و اندیشه‌ور اقتصاد در مطالعه رفتار اقتصادی، در جست‌وجوی مسلمانان پارسا و خیر، به منظور الگوسازی نیست؛ بلکه به دنبال بررسی رفتار مسلمانی عادی است که گاهی مرتکب خطا و گاهی صواب می‌شود، گاهی به به شدت پایبند دستورهای دین و گاهی بی‌مبالا است (فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۲، ص ۱۴۲).

۷

اقتصاد اسلام

دانش اقتصاد اسلامی از امکان تا واقعیت

دادگر چنین دانشی که با مبانی نئوکلاسیکی از رفتار مسلمانان به دست آمده را دانش اقتصاد مسلمانی می‌داند و با توسعه معنای علم و نفی انحصار معنای پوزیتیویستی آن، می‌گوید: می‌توان آموزه‌های اقتصادی اسلام را در قالب مطالعات روش‌مند، قابل انتزاع و پیدا کردن یک رابطه تئوریک بین اجزای درونی آن ارائه کرد (عصر ما، ش ۱۶۷).

منان معتقد است در اقتصاد اسلامی نمی‌توان آن‌گونه که مرسوم است بین اقتصاد دستوری و اثباتی تفکیک کرد و باید اقتصاد را در کل به صورت دانش اجتماعی یکپارچه که متأثر از ارزش‌ها نیز هست مورد مطالعه قرار داد. وی هرگونه تلاش برای تفکیک را به لحاظ این که ممکن است به تولد سکولاریسم در اقتصاد اسلامی بینجامد انکار می‌کند (نقد و نظر، سال ۵، ش ۱ و ۲، ص ۲۶۳).

منذر قحف نیز با بررسی آموزه‌های اقتصادی برگرفته از آیات و روایات، دو تعریف از اقتصاد اسلامی ارائه می‌کند.

الف. اقتصاد اسلامی، به معنای بررسی نظام اقتصادی اسلام که شامل ویژگی‌ها و نهادهای اصلی اقتصاد اسلامی است که منابع اساسی اسلام یعنی قرآن و سنت به آن‌ها اشاره کرده؛ چنان‌که حدود چارچوب قانونی آن را، فقه اسلام و حدود انگیزه رفتاری و الگوی شکل روانی آن را، اخلاق اسلام بیان می‌دارد؛

ب. اقتصاد اسلامی، به صورت بررسی رفتار اقتصادی انسان که از دو مصدر معرفت، یعنی وحی و تجربه انسانی ناشی است.

وی نوع دوم را که شبیه دانش اقتصاد است تحلیل اقتصادی اسلامی می‌نامد (فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۸، ص ۱۶۲).

زرقا نیز همانند قحف معتقد به وجود علم اقتصاد اسلامی است، وی مقوله‌های اقتصاد اسلامی را به ارزشی و وصفی تقسیم کرده و دسته اول را فقه، که در جای دیگر مکتب اقتصادی نامیده و دسته دوم را علم اقتصاد اسلامی می‌داند. و در تفاوت این دو می‌گوید:

تفاوت اساسی میان فقه و علم اقتصاد اسلامی در این است که هدف اصلی فقه، دستیابی به گزاره‌های ارزشی یعنی احکام شرعی است و این احکام ارزشی، نسبت بسیار بالایی از ماده فقه را تشکیل می‌دهند حال آن‌که هدف اصلی علم اقتصاد اسلامی (و اقتصاد اثباتی) عبارت از دستیابی به گزاره‌های وصفی است که واقعیت را مشخص، و بین پدیده‌های اقتصادی ارتباط برقرار می‌کنند (فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۵، ص ۱۲۹).

هادوی تهرانی و مصباحی مقدم، ضمن این‌که به دانش اقتصاد اسلامی اعتقاد دارند، آن را با اقتصاد متعارف متفاوت می‌دانند. هادوی تهرانی معتقد است:

دانش اقتصاد اسلامی در عین حال که شباهت‌های زیادی با اقتصاد متعارف دارد، دو تفاوت اساسی در پیش‌فرض‌ها و روش تحقیق با آن دارد (فصلنامه پژوهشی امام صادق علیه السلام، ص ۲۱۰).

مصباحی مقدم نیز با توجه به مبانی، معتقد است:

اقتصاد لیبرال مبتنی بر دئیسم، اومانیزم، رشنالیسم و سیانتیسم است در حالی که اقتصاد اسلامی از اصولی چون ربوبیت خداوند، اختیار انسان و محوریت خداوند تبعیت می‌کند (همان: ص ۲۲۲ - ۲۲۳).

یکی دیگر از مباحث دانش اقتصاد اسلامی، قلمرو آن است. برخی مطرح کرده‌اند که دامنه علم اقتصاد اسلامی، محدود به رفتار مسلمانان می‌شود و برخی آن را درباره همه زمان‌ها و مکان‌ها شامل می‌دانند. زرقا در این باره می‌گوید:

به نظر می‌رسد پاسخ درست این است که اقتصاد اسلامی، پدیده‌های اقتصادی را در سراسر جامعه بشری اعم از اسلامی یا غیراسلامی مطالعه می‌کند. و این مطلب از سوی قرآن و سنت تأیید می‌شود.

این دو منبع، ما را به روابط و متغیرهایی متوجه می‌کنند که به رفتار مسلمانان محدود نشده و با رفتار تمام انسان‌ها ارتباط دارد؛ مانند، تمایل انسان‌ها به مقدار بسیار فراوان ثروت، که مربوط به عموم بشر بوده و به مسلمانان منحصر نیست، بنابراین، موضوع اقتصاد اسلامی به جامعه اسلامی محدود نیست؛ بلکه شامل همه انسان‌ها اعم از موافق یا مخالف اسلام می‌شود (فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۲۳).

شوقی دنیا نیز در این رابطه می‌گوید:

مشکل هر نظریه‌ای در این است که از وصف و تفسیر واقعیت مربوط به آن ناتوان باشد؛ در حالی که نظریه اقتصاد اسلامی صرفاً به وصف و تفسیر رفتار مسلمان امروزی نمی‌پردازد؛ بلکه رفتار مسلمان حقیقی را وصف و تفسیر می‌کند. وقتی نظریه رفتار مسلمان واقعی، حتی اگر در حال حاضر چنان مسلمانی وجود نداشته باشد، ولی در گذشته وجود داشته است به درستی اثبات و صحیح شناخته شود، این نظریه به رسالت خویش عمل کرده است (فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۲، ص ۱۴۱).

به نظر می‌رسد به‌رغم کوشش‌های فراوانی که در این موضوع صورت گرفته، هنوز زمینه‌های فراوانی برای مطالعه و تحقیق وجود دارد و بر صاحبان فکر و اندیشه است که با ارائه نظریه‌های علمی پرده از حقایق دانش اقتصاد اسلامی بردارند و بر بالندگی آن بیفزایند.

سردبیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

صفحه سفید



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی